

تعلیم در مدرسه یا در منزل؟

نخستین آقایی فوادی

معلم فارسی مدارس نظام

اگر انسان دارای قوای ذهنی نبود در زمره ضعیف ترین موجودات قرار میگرفت زیرا نمیتوانست تنها باستعانت حواس ظاهره در میدان مبارزه حیاتی موفق شده حوائج خود را بر آورد. دلایل محسوس این مطاب را کاملاً روشن میکند: مثلاً قوه باصره عقاب و سامعه اسب و شامه غالب حیوانات و قوای عضلانی سباع و پوشش جلد حیوانات قطبی و مسکن زنبور را نه تنها انسان امروز ندارد بلکه در مراحل اولیه حیات اجتماعی که بیشتر زندگانی حیوانی داشته نیز فاقد آنها بوده است.

انسان بکمک قوای فکری و استدلال نواقص قوای جسمانی خود را تکمیل نموده مشمول تسمیه و مفاد با افتخار اشرف مخلوقات گشته و بر موجودات حکمرانی میکند. چشم خود را با ذره بین و دوربین تقویت مینماید. بوسیله تلفون و تلگراف از دورترین مسافت می شنود، بجای چنگال حیوانات مقراض - کارد - چنگال - قاشق و امثال آنها را اختراع میکند، برای حفظ خود از دشمن آلات و ادوات جنگ میسازد. در مقابل لانه و آشیانه حیوانات عمارات باشکوه و شهرهای عظیم بنا میکند. روی زمین با سرعت غریب طی مسافت نموده در هوا چون مرغ میپرد و در دریا چون نهنگ شنا میکند. خلاصه انسان بکمک فکر خود طبیعت را بمبارزه میخواند و روز بروز در غلبه بر آن کسب توفیق مینماید.

اینها تمام در سایه یگانه عامل مهم زندگانی که استعداد پرورش یافتن و آموختن باشد صورت میگیرد، بشر ابناء خود را تربیت میکند، تعلیم میدهد و تجربیات خود را بنسلهای بعد میدهد. این است که همواره در راه ترقی و تکامل قدم میزند. تربیت و تعالیم از همان مراحل اولیه حیات اجتماعی مجری و کیفیت و طرز اجراء و تشکیلات مربوطه بآن همواره دچار تطور و اختلاف بوده و میباشد، اجرای

مسئله تعلیم و تربیت در یک دور و زمان نیز باقتضای محیط تغییر میکند ، یک طفل ایرانی دوره هخامنشی ، اسپارتی ، مصری و رومی عهد قدیم یک نوع تربیت میشد و اطفال امروز نوع دیگر تربیت میشوند، تربیت یک بچه پاپواس (در کینه جدید) و اسکیمو (در گرینلند) و بوشمن (در افریقا) با تربیت یک طفل متمدن فرق دارد. تربیت اولی ساده و دومی مفصل است .

بدیهی است هر چه تشکیلات اجتماعی بشر وسیع تر و مفصل تر شود بهمان نسبت دامنه تربیت و تعلیم نیز وسیع تر شده و برای اجرای آن ترتیبات و تشکیلات مقتضی پیدا میشود .

یکی از این تشکیلات مدرسه است که بطور کلی تربیت فکور یا تعلیم نوابوگان در آن انجام میگردد ، مدرسه یک محیط اجتماعی است که اطفال در آن باهم آمیزش میکنند و مجتمعاً فکر آنها تربیت میشود و در ضمن قوای انفعالی (امیال - عواطف و غیره) و ارادی آنها نیز تقویت میگردد . مدرسه یک محیط اجتماعی است که در جریان حیات آن مربی و معلم دخالت میکنند، عامل مهم در پیدایش مدرسه مسئله مادی و اقتصادی است که مصارف تربیت یک طفل در آن نسبت بمصارف تعلیم در خانواده بدرجات کمتر و ارزاتر است .

علاوه بر آنچه ذکر شد مدرسه نسبت بخانواده در قسمت تربیت فکوری دارای مزایایی است که هیچکس آن را انکار نتواند کرد . یکی از آن مزایا این است که در محیط مدرسه حس اجتماعی اطفال تقویت میشود . مدرسه از امیال انفرادی و انزوا و خودخواهی میکاهد. اطفال در محیط مدرسه بواسطه هم چشمی بیشتر کار میکنند و کمتر خسته میشوند ، قوای فعاله شاگردان تهییج و تقویت میشود ، دیگر آنکه در مدرسه قوای فعاله معلم و مربی بیشتر و بهتر بکار میافتد . یکنفر معلم در کلاس از معلم سرخانه بیشتر سعی و کوشش میکند و توجه و دقت مراقبت او بدرجات بیشتر است ، در بیان و تفهیم مطالب بیشتر میکوشد ، خلاصه محیط مدرسه معلم را تشویق میکند و بکار وامیدارد .

بعضی را عقیده بر این است که اگر طفل در خانه درس بخواند و تربیت

شود بهتر است زیرا معلم سرخانه تنها با او طرف است، با قوای ذهنی و تمایلات او بهتر آشناست و از آنرو بهتر میتواند ابرای تعلیم دهد و در انجام وظیفه موفق گردد. معلم درس خود را بمقتضای استعداد فرا گرفتن شاگرد ترتیب میدهد. مثلاً معلم سر کلاس اگر یک موضوعی را عنوان کرد و همه شاگردان گوش دادند هر یک از آنها نسبت با استعداد و فهم خود یک قسمت بخصوص را بهتر فهمیده یا بکلی نفهمیده است و معلم نمیداند کدام قسمت را بیشتر مورد توجه و بحث قرار دهد، اما معلم سرخانه که فقط بایک شاگرد طرف است آن قسمت را زودتر تشخیص داده و روی آن بحث مینماید و باین واسطه شاگرد او بهتر فهمیده و مطابق را بحافظه میسپارد. این است که پروگرام سه ماهه هر درسی را در منزل میتوان بسهولة در یک ماه طی کرد و دوره شش ساله مدرسه را در مدت چهار سال در منزل با تمام رسانید.

در مقابل عقیده فوق گوئیم اگر معلم دارای اطلاعات کافی بوده و علاوه بر تجربه عشق بکار هم داشته باشد در طی عمل میتواند وسائلی بدست آورد که باین واسطه با افراد شاگردان آشنائی بهم رسانده با استعداد و قوای ذهنی و خصوصیات روحی هر یک از شاگردان پی برد. معلم باید ترتیبی اختیار کند که قسمتهای غیر مفهوم یا مشکوک و متزلزل در مواد خوانده شده باقی نماند. علاوه بفرص آنکه پروگرام دروس در مدرسه دیرتر مجری میشود در عوض بواسطه تکرار و تانی و طول زمان مواد آن بهتر در حافظه شاگرد قرار میگیرد. از اینها گذشته تعلیم سرخانه فقط برای طبقه متمول ممکن است و همه مردم نمیتوانند برای تربیت فکری طفل خود معلم سرخانه بیاورند.

طرفداران تعلیم در محیط خانواده از نقطه نظر اقتصاد وقت میگویند چون معلم در کلاس مدتی را باید در سؤال و بازدید تکالیف صرف نماید وقت شاگردان را در آن مدت تلف میکند. در موقع بازدید تکالیف یک نفر از شاگردان دیگران که بیکارند بتفریح و بازیگوشی و اغتشاش میپردازند. برعکس در منزل معلم با این قسمت مواجه نیست و تمام اوقات مخصوص بتحصیل شاگرد بصرف فرا گرفتن مواد درس میرسد.

در جواب گوئیم که رفع این نقیصه بعهده کاردانی و تجربه معلم است و در مدرسه نیز ممکن است از اتلاف وقت شاگرد جلوگیری نمود. اگر معلم مدرسه در کار خود مسلط بوده و با روح شاگردان آشنا شود البته وسائلی را پیدا میکنند که بواسطه آنها وقت تلف نشود و شاگردان بیکار نباشند. فرض میکنیم معلم دیکته را در کلاس گفت و بیست دقیقه وقت بزنگ مانده است. اگر معلم این بیست دقیقه را بخواهد صرف تصحیح نموده و بتنهائی آن را انجام دهد بدیهی است که شاگردان مانند مجسمه نخواهند نشست و خود را بچیزی مشغول خواهند ساخت و قسمت بیشتر آنها بتفریح و اغتشاش میپردازند. در اینصورت هم وقت شاگردان تلف شده هم در کلاس بی نظمی روی میدهد. در مقابل اگر معلم دیکته را بکمک شاگردان تصحیح کند یعنی اوراق را طوری توزیع نماید که دیکته هر یک از شاگردان بوسیله شاگرد دیگر تصحیح شود و خود او مراقب و ناظر اینکار باشد بدیهی است اولاً شاگردان بیکار نمیمانند و ثانیاً بواسطه تکرار و تمرین و بکار افتادن قوه باصرا لغات و املاء آن را بهتر میتوانند بحافظه بسپارند. بعد از آنکه تصحیح جمعی دیکته در کلاس تمام شد معلم اوراق را جمع آوری کرده در موقع فرصت تصحیح آنها را تکمیل مینماید، چه عیب دارد اگر بجای آنکه بیست دقیقه از یک شاگرد سؤال میکند و نمره درس باو میدهد این وقت را بمصرف سؤال از پنج نفر یا بیشتر بنماید و بعد از چندین مرتبه سؤال نمره بشاگرد بدهد. هر معلمی با تجربه و فکر خود میتواند سؤال و بازدید تکالیف را طوری مرتب کند که شاگردان بیکار نمانند.

اشکال دیگری را که طرفداران تعلیم در خانواده در نظر میگیرند موضوع رفاقت شاگردان است میگویند که در مدرسه اطفال با تربیت های مختلف باهم محشور میشوند و شاگردان خوش اخلاق در نتیجه آمیزش با شاگردان بی تربیت قسمتهای منفی اخلاقی را تحصیل میکنند، مثلاً فرض میکنند طفلی در خانواده تربیت شده که استعمال کلمات خشن و رکیک در آن مورد نداشته است، برای جلب دقت و یاتنبیه چنین طفلی یک اشاره یا ملامت مختصر کافی است. حال این طفل پهلوی بچه نشسته که افراد خانواده او در عوض سلام و تعارفات معمولی بهم فحش و ناسزا میگویند و در نتیجه چنین طفلی

بی تربیت و بددهن باری آید و از تویخ و تهدید معلم و مربی باکی ندارد. بدیهی است که در نتیجه آمیزش، يك طفل خوش اخلاق و باتربیت بهرور قسمتی از ذمائم اخلاقی رفیق معاشر را کسب میکنند، پس بودن طفل باتربیت در مدرسه حذبۀ منفی دارد. این شکایتی است که از غالب پدران و مادران علاقه مند شنیده میشود.

در جواب گوئیم اولاً کارکنان مدرسه، که اهمیت این موضوع را در نظر دارند باید وسائلی اتخاذ نمایند که حتی الامکان از معاشرت نزدیک شاگردان باتربیت و بداخلاق جلوگیری کنند، در خارج و داخل مدرسه مراقب رفتار شاگردان باشند، بوسیله نصایح معلمین و کنفرانسهای عمومی اخلاقی و تشویق و تهدید اخلاق اجتماعی شاگردان را تربیت کنند. ثانیاً فرض آنکه طفل را در خانه تربیت کرده و او را در محیط وارد نکنیم با کدام وسیله و بیش بینی میتوانیم او را از معاشرت با اعضای خانواده و اقوام و همسایگان که خالی از افراد بی تربیت نیستند باز داریم و بالاخره چگونه میتوانیم با مال از ورود او به مدرسه زندگی مانع شویم. چون بزرگ شد و بجد رشد رسیده وارد جامعه شد قهراً با همه قبیل اشخاص معاشر میشود و بدیهی است هر چه را در کودکی کسب نکرده در بزرگی اقتباس خواهد نمود. بلی در کودکی هر چیزی را زودتر و بهتر یاد میگیرند لکن باید تصدیق کرد که انسان تادم مرگ در معرض تأثیر واقع است و باید اقرار کنیم که جوان مدرسه ندیده چه دختر و چه پسر بواسطه کمی تجربه و عدم آشنائی بحالات درونی مردم زودتر رنگ و مبدارد و گول نقش ظاهر را میخورد.

پس ناچاریم تصدیق کنیم که تربیت فکر یا تعلیم باید در مدرسه انجام گیرد و محیط خانواده بتنهائی نمیتواند احتیاج جامعه را در این باب رفع نماید.

اگر مدرسه با اصول صحیح و پروگرام عملی مرتب شود و روابط مستقیم و تبادل نظر بین مدرسه و اولیای اطفال برقرار باشد تربیت فکر اطفال سهولت و بنحو مطلوب انجام میگیرد و شاگرد مدرسه را به چوجه احتیاجی بمعالم سرخانه نخواهد بود. کمک اولیای اطفال به مدرسه سعی و کوشش در تهذیب و تعدیل اخلاق اطفال است و پس.